

گورنوشته‌ای دیگر از کازرون کتیبه بُخنگ (کازرون ۱۵)

سیروس نصراله‌زاده*

همت محمدی**

چکیده

مقاله حاضر معرفی و قرائت گورنوشته‌ای نویافته از منطقه بخنگ کازرون است. این گورنوشته از کتیبه‌های یادبودی اواخر دوره ساسانی و آغاز دوره اسلامی است. تاکنون تعداد بسیار زیادی گورنوشته در این منطقه یافت شده است. این کتیبه‌ها هم به لحاظ مسائل کتیبه‌نگاری و هم به سبب اطلاعاتی که درباره نوع تدفین به دست می‌دهند حائز اهمیت‌اند. خط این نوع کتیبه‌ها پهلوی کتابی است. این کتیبه شکسته شده است و به طور اتفاقی در کنار مسجدی در کازرون یافت شده است. نام خوانده شده بر روی این کتیبه «ماه‌بام» است.

کلیدواژه‌ها: کتیبه، گورنوشته، کازرون، ساسانی، پهلوی ساسانی تحریری.

مقدمه

منطقه کازرون و بیشاپور به لحاظ محوطه‌های باستان‌شناختی بسیار غنی است. این منطقه همیشه چیزی برای عرضه به تاریخ ایران و بازکردن گوشه‌ای از زوایای گمشده و پنهان گذشته در خود داشته؛ از این شمار است منابع کتیبه‌ای، به ویژه کتیبه‌های پهلوی ساسانی و به خصوص گورنوشته‌ها. تاکنون بیش‌ترین گورنوشته از این خطه به دست آمده است. هرگاه حفاری صورت گرفته یا زمینی شخم زده شده یا بناهایی قدیمی تخریب شده؛ کتیبه‌ای

* استادیار پژوهشکده زبان‌شناسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی cyrusnasr@yahoo.com

** سرپرست میراث فرهنگی کازرون

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۷/۶، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۸/۸

آشکار شده است و گاه یابنده امروزی چنان تعلق خاطری بدان می‌یافته که از آن باغچه کوچکی در گوشه خانه‌اش می‌ساخته و حیات و ممات را در هم می‌آمیخته.^۱ این بار نیز از بقایای بنایی کتیبه‌ای دیگر به پیدایی آمده که شرح و تفصیلش در زیر می‌آید.

کتیبه بخنگ (کازرون ۱۵)

تاکنون حدود ۱۴ گورنوشته پهلوی ساسانی از بیشاپور و کازرون به‌دست آمده است.^۲ کتیبه حاضر به لطف و درایت گشت یگان حفاظت و مراقب میراث فرهنگی، آقای کوروش احمدی، در کنار یکی از مساجد کازرون به نام ابافتح در سال ۱۳۹۰ به‌دست آمده است. با گزارش ایشان، کتیبه سریعاً به موزه بیشاپور منتقل شد.

مصالح به‌کار رفته در معماری بناهای کازرون، حداقل از دوره قاجار بدین سو، سنگ لاشه و گچ است که از سنگ‌های اطراف کازرون تهیه می‌شده است. ظاهراً این سنگ هم بایستی از اطراف شهر آورده شده باشد. به احتمال این کتیبه هم از اطراف دشت بُخنگ در شمال شرق کازرون به‌دست آمده و، به‌سبب ویژگی تابوتی‌اش، از آن به‌جای آخور یا آبخوری احشام استفاده می‌شده است. به‌هنگام کشف این تابوت، آثار خاک رس باقی‌مانده از آب باران و خاک در کف تابوت دیده شده است. طول عمودی تابوت در بلندترین نقطه ۹۱ سانتیمتر و در قسمت کتیبه به ۸۵ سانتیمتر می‌رسد. پهنای قسمت راست تابوت از کف تا لبه در حدود ۴۰ سانتیمتر بوده و قطر سنگ بین ۹ تا ۱۱ سانتیمتر در نوسان است. کلفتی سنگ تابوت مذکور در کف اصلی در حدود ۱۷ سانتیمتر است و از لبه داخلی تابوت تا کف اصلی ۳۱ سانتیمتر است. نکته قابل تامل در این تابوت، در مقایسه با دو تابوت سنگی موجود در موزه بیشاپور، پهنای کف تابوت است که خیلی کوچک و ناصاف و غیر صیقلی است. شکستگی از انتهای تابوت بوده و دیواره سمت چپ نیز در اثر این شکستگی جدا شده است. در این نوع تابوت‌ها یک برجستگی در دو طرف تابوت، که بایستی دستگیره بوده باشد، دیده می‌شود که در این تابوت فاصله این برجستگی تا سر تابوت به حدود ۲۷ سانتیمتر می‌رسد.

متن کتیبه

کتیبه حاضر در زمرة کتیبه‌های یادبودی و از نوع سنگ مزار یا گورنوشته است. از این نوع کتیبه‌های تابوتی تاکنون تعدادی به‌دست آمده که عبارت‌اند از: کتیبه پریشان (کازرون ۲)،

گلی بر مزاری (کازرون ۵)، بیشاپور ۵ (کازرون ۱۰) و احتمالاً کتیبه مشتان (کازرون ۴) و، با ساختی متفاوت، کازرون ۱۴ یا «نیروگاه سیکل ترکیبی» و آخرین که کتیبه حاضر است. انواع دیگر این کتیبه‌ها، یکی آن‌هایی است که بر سینه کوه‌ها کنده شده و موسوم به دخمه‌اند که شواهد کتیبه‌ای هم بر این نام‌گذاری صحنه نهاده است؛ و دیگر، کتیبه‌هایی است که بر ستون سنگی یا تخته‌سنگ‌های کوچک نوشته شده که شاید گواهی بر تدفین خمره‌ای باشد؛ اگرچه شاهدی متقن بر آن نداریم. واژه آمده بر روی این نوع سوم هم، مثل مورد نخست، دخمه است. دسته‌ای دیگر سرپوش تابوت یا استوانند و بر روی این درپوش‌ها کتیبه نوشته شده است که از این شمارند: کتیبه حسین‌آباد (کازرون ۴)، بیشاپور ۱ (کازرون ۶)، بیشاپور ۲ (کازرون ۷)، بیشاپور ۴ (کازرون ۹)، تل اسپید (کازرون ۱۱)، بیشاپور ۶ (کازرون ۱۲) و بیشاپور ۷ (کازرون ۱۳)؛ شایان ذکر است که این نوع کتیبه‌ها ساختار قالبی مشخصی دارند که گاه تاریخ‌دار و اغلب بدون تاریخند.

از کتیبه حاضر چهار سطر باقی مانده است. به سبب شکستگی، ادامه کتیبه از بین رفته است. از سه تابوت سنگی سالم به دست آمده که به ابعاد ۱۵۸ سانتیمتر (کازرون ۲)، ۱۴۶ سانتیمتر (کازرون ۵) و در حدود ۱۳۰ سانتیمتر (کازرون ۱۰/بیشاپور ۵)، می‌توان انتظار داشت که متن این کتیبه، به قیاس با کتیبه کازرون ده/بیشاپور ۵، طولانی‌تر بوده است.

حرف‌نویسی

1. ³NE ³špl
2. ³nwšlwb³n
3. m³hb³m Y
4. M---[m]t³n' NPŠE

آوانویسی

1. ēn ašbar/ ašwar
2. anōšruwān
3. Māh-bām ī
4. M---[M]ihrān xwēš

«این اشبر (آرامگاه) انوشه‌روان (مرحوم) از آن ماهام پسر م--- مهر. [است].»

تعلیقات

۱. آغاز کتیبه هم‌چون دیگر کتیبه‌های سنگ مزار است. واژه محل مناقشه واژه دوم، یعنی اشبر یا به قرائتی دیگر اشور است. این واژه، که معنای آرامگاه یا معنای عام‌تر قبر را دارد، صرفاً بر کتیبه‌های تابوتی آمده است؛ در کتیبه کازرون ۲ (سطر ۱ و ۱۳)، کازرون ۴، کازرون ۵، کازرون ۹، کازرون ۱۰/ بيشاپور ۵ و کتیبه حاضر و کتیبه زیر چاپ دیگری آمده است. نخستین بار مرحوم دکتر تفضلی (Tafazzoli, 1991: 197) پیشنهاد اشور را، البته با بازسازی، داده است. هم ایشان در دو مقاله دیگر خود (1994: 265, 1994: 180, 1994: 266, No.4) این بازسازی را رها کرده و همان صورت خطی را، اگرچه در آوانویسی تفاوتی نمی‌کند، برگزیده است. در سنت زردشتی، این واژه بر جای نمانده و واژه عام در این خصوص همان دخمه و استودان است. درباره ریشه‌شناسی این واژه، آنچه مرحوم تفضلی گفته است، یعنی از hsp و صورت‌های مختلف آن در زبان‌های ایرانی میانه، درست به نظر می‌رسد. در کتیبه‌های کازرون ۵ و بيشاپور ۵، مشخصاً به جای پ حرف ت قابل خوانش است.

۲. این واژه هم مطابق ساختار کتیبه‌های سنگ مزار است؛ جز آن‌که در مواردی به جای انوشه‌روان (در کتیبه‌های کازرون ۲، بيشاپور ۳/ کازرون ۸، بيشاپور ۵/ کازرون ۱۰، کتیبه شیان در چین، باغ لردی و یک کتیبه امام‌زاده شاه اسماعیل) و هشت بهر و دیگر صورت‌های آن (در کتیبه‌های بيشاپور ۱/ کازرون ۶، بيشاپور ۲/ کازرون ۷، بيشاپور ۴/ کازرون ۹، بيشاپور ۷/ کازرون ۱۳، استخر، تنگ جلو و تنگ کرم، ۴ کتیبه از امام‌زاده شاه‌اسماعیل، پاسارگاد، کازرون ۱ و دو بند ۸-۹، کازرون ۳، کازرون ۴، کازرون ۵) آمده است.

۳. این نام تاکنون در نام‌شناسی دوره ساسانی دیده نشده است. ترکیب‌های اسمی با واژه ماه فراوان در دوره ساسانی دیده شده و از نام‌های مرغوب بوده است (برای انواع این ترکیب ← Gignoux, 1986: 108-114 و نیز همو 1986-2001: 43-45). جزء دوم، یعنی bām به معنای «فروغ، درخشندگی، شکوه» و صفت bāmīg به معنای «درخشان، باشکوه» (مکنزی، ۱۳۷۳: ۵۰) قس ōšbām و «بلخ بامی» و نام شهر «بامیان» و «بامداد» و «بامشاد» و در اصطلاحات مانویان bāmyazad و bāmistūn، از صورت اوستایی bāmya (Bartholomae, 2004/ 1388: 954) به معنای «روشنی، درخشش، فروغ»، از ریشه bā- به معنای «درخشیدن» است (برای صورت‌های این واژه در زبان‌های ایرانی شرقی ← Bailey 1979: 277؛ حسن‌دوست، ۱۳۸۳: ۱۷۱-۱۷۲). بر یک اثر مهر ساسانی نام یک مغ آمده به نام بام پسر ماه^۴ که صورت دیگری از همین نام مورد

بحث است (Gignoux, 1986: 54, No. 181). معنای این نام «ماه درخشان» است. این نام در نام‌های عیلامی الواح تخت جمشید به صورت‌های Ba-mi-ia/ و Ba-ma-ka/*Bāma- و نیز دو صورت بابلی Ba-am-mu-uš/*Bāmuš و Ba-am- Ba-am-ma-²/*Bāma در منابع بابلی دیده شده است (← Tavernier, 2007:146 و برای منابع قدیم‌تر ← (Mayrhofer, 1973: 8.247-8.248).

الف) بخش نخست این نام به سبب آن که بعدها بر روی این سطر سوراخی ایجاد شده نامشخص است؛ اما حروف باقی مانده جزء دوم صورت نام مهر را نشان می‌دهد. نام مهر و ترکیبات با این نام از نام‌های پر بسامد و مرغوب همه دوره ایران باستان است. پسوند ان (ān) نسبت خانوادگی پسر/ دختر را می‌رساند:

در فارسی میانه ساسانی نسبت خانوادگی به روش‌های زیر ساخته می‌شود:

۱. نام شخص + حرف اضافه ī + نام پدر + واژه duxt/ pus (در ساخت‌های مونث، علاوه بر واژه duxt، گاه با صفت anōš (در ارمنی -anojš) نیز همراه است: Xosrov-anoyš. (← Schmitt, 2005; 1988: 269)

مثال:

Warāz ī Tīr pus وراز پسر تیر

Burzīdag ī Jamāngušnasp duxt برزیدگ دختر جمان گشنسپ

Humāy ī Wahman duxt همای دختر بهمن

Warāzdduxt Xwarānzēm duxt, Zōtiy ʿydwdy pus (گاه با حذف کسره اضافه)

۱. نام شخص + حرف اضافه ī + نام پدر + پسوند n/ n/ k^hn/ kn (در پارتی n/ kn). این ساخت از معمول‌ترین ساخت‌های نسبت خانوادگی در فارسی میانه ساسانی است. در پارتی، کسره اضافه محذوف است. ساخت‌های بدون کسره اضافه در نام‌های دوره ساسانی متأثر از این ساخت پارتی است.

Mīhrag ī Farhādān مهرگ پسر فرهاد

Humāy ī Wištāspān همای دختر ویشتاسپ

Wahram šāhān šāh ī Šahbuhragān بهرام شاهنشاه پسر شاهپور

ناموی پسر مهرداد (بدون کسره اضافه متأثر از پارتی) Nāmōy Mīhrdād

۲. نام شخص + حرف اضافه ī + نام پدر، بدون پسوند n و دیگر پسوندها (← شماره ۲).

Farr-Mihr ī Dād-Weh فرمهر پسر دادوه

Maštaḡ ī Āhūg مشنگ پسر آهوگ

۳. ساخت‌های منفرد

Mihr-dād-Frawardīn mow ī pid ī Ādur-Farrbay-Sēn-bōxt

مهرداد فروردین مغ پدر آدرفرنبغ - سین‌بخت

Dādarōy ī az Husrawdādān

دادروی از [خاندان / خانواده] خسرو داد.

۴. ساختی نادر، گاه با آمدن واژه puhr، که متأثر از ساخت پارتی است:

Wištāsp puhr Lu(h)rāspān, Garāmīg-kard puhr Jāmāsp.

بسیاری از نام‌های دوره ایرانی باستان برگرفته از نام ایزدان است، یعنی از یک نام ایزد، و گاه نام دو ایزد، هم‌چون آذر، ناهید، ماه، مهر، اورمزد، بهرام و نام آتش‌های مقدس مشهور، ساخته شده‌اند. در دوره ساسانی این ساخت افزایش بسیاری یافت. نام حاضر هم نام ایزد - ایزد ماه - تواند باشد (برای تمامی موارد بالا ← Gignoux, 1979: 42-58, 19 و برای مورد ۵ ← Tafazzoli, 1994-5: 178).

ب) واژه /xwēš/ خویش (از ایرانی باستان *xvaipaθya، اوستایی: xvaē-paiθya، فارسی باستان: (h)uvaipašiya) در این کتیبه، در اصل، قید مشترک به معنای «خویش، مال خود، از آن» است و بر بسیاری از این نوع کتیبه‌ها آمده است؛ فعل xwēšēnīdan: «از آن خویش کردن، به خود اختصاص دادن» (مکنزی، ۱۳۷۳: ۱۶۶) و اسم مصدر xwēšēnišn: «تعلق، به خود خاص کردن» (فره‌وشی، ۱۳۸۱: ۶۴۲) و احتمالاً واژه «خویشان» در فارسی و دیگر صورت‌های آن‌هم، در همین معنا، از آن ساخته شده است. در متون فقهی و حقوقی زردشتی، این واژه اصطلاحی حقوقی، با ترکیبات مختلف آن، در خصوص مالکیت است و اموال شخصی یا به ارث رسیده را بیان می‌کند؛ که در سنت وقف یا همان «برای روان» ruwān pad کاربرد بسیار دارد. این کاربرد در کتیبه‌هایی بر جام‌نوشته‌های دوره پارتی و ساسانی و نیز اثر مهرهای ساسانی دیده می‌شود؛ مثلاً بر روی اثر مهرهای ساسانی (Gignoux, 93-94) این ساخت با واژه «خویش» آمده است:

این مهر از آن NPŠE mwdly ZNE

این مهر از آن من + نام شخص ZNE mwdly LY NPŠE

ŠRQTA ZNE NPŠE LY šmtprny gynwšnw

و بر روی جام‌نوشته دوره ساسانی:

از آن (متعلق به) ویر wyl NPŠE

Ṗt NPŠE MN S XX W ZWZN II/ Rād xwēš az stērs 20 ud drham 2

از آن (متعلق به) راد، از ۲۰ استیر و ۲ درهم (برای این جام‌نوشته‌ها ← Gignoux, 1975b: 271-276).

در سفال‌نوشته‌های نسا (Diakonoff & Livshits, 1977-2001: 146ff & 198) این ساخت پارتی دیده می‌شود: نام شخص + MN NPŠE. مترجمان این سفالینه‌ها واژه NPSE را «شخصاً از personally» ترجمه کرده‌اند. هم‌چنین بر یک جام‌نوشته پارتی عبارت NPŠE whmk «از آن (متعلق به) وهمگ» آمده است (ibid).

قرائت دیگر این واژه خوانش زن است. حرف دوم این واژه شبیه حرف پ در الفبای پهلوی کتابی نیست و بیش‌تر صورت هزوارشی E را تداعی می‌کند. کتیبه‌های سنگ مزاری که واژه زن در آن‌ها آمده عبارت‌اند از:

۱. کتیبه کازرون ۳/ مشتان (با بازسازی) [NPŠE] NYŠE l[ʔd]/ [xwēš] zan rāy: «برای زن خویش».

۲. کازرون ۵ ZYš NYŠE YHWWNt lʔd/ ī-š zan būd rāy: که زن او بود.

۳. کازرون ۶/ پیشاپور ۱:

[ZNE špl] ...mp n' Y [*NPŠE] NYŠE/ [ēn ašbar] ...mbān ī [xwēš] [*zan]

«این اشبر ... از آن زن ... بان (است)».

چنان‌چه این واژه زن خوانده شود، پس کتیبه حتماً دنباله داشته است. اما با هیچ‌یک از این دو ساختار که از کتیبه‌های سنگ مزار می‌شناسیم مشابه نیست؛ در این صورت، نام این شخص، که سنگ مزار ← برای اوست، نامی مؤنث خواهد بود که قابل مقایسه با کتیبه کازرون ۳ Tafazzoli/ Sheikh-al-Hokamayi 1994: 265-6 و نیز برای صورت‌های آمده در پایروس‌های دوره ساسانی ← Weber 2003: 190 است؛ با این احتمال چنین ترجمه می‌شود: «این اشور [از آن] زن انوشه روان ماهام پسر م --- مهر است».

پی‌نوشت

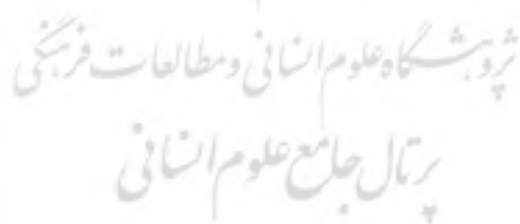
۱. اشاره‌ای است به نام‌گذاری زیبای استاد ژاله آموزگار بر قرائت گورنوشته‌ای از کازرون موسوم به گلی بر مزاری یا کازرون ۵.
۲. برای آگاهی از این کتیبه‌ها و فهرست جامعی از آن‌ها ← نصراله‌زاده، ۱۳۸۵ و نیز تفضلی، ۱۳۷۶: ۹۷-۱۰۶.
۳. قرائت ژینیو (1975a) باید تصحیح شود.
۴. نوشته چنین است: $b(m) Y mgw Y mh'n$ بام مغ پسر ماه، (Gignoux 1978: 29, No. 3.23).

منابع

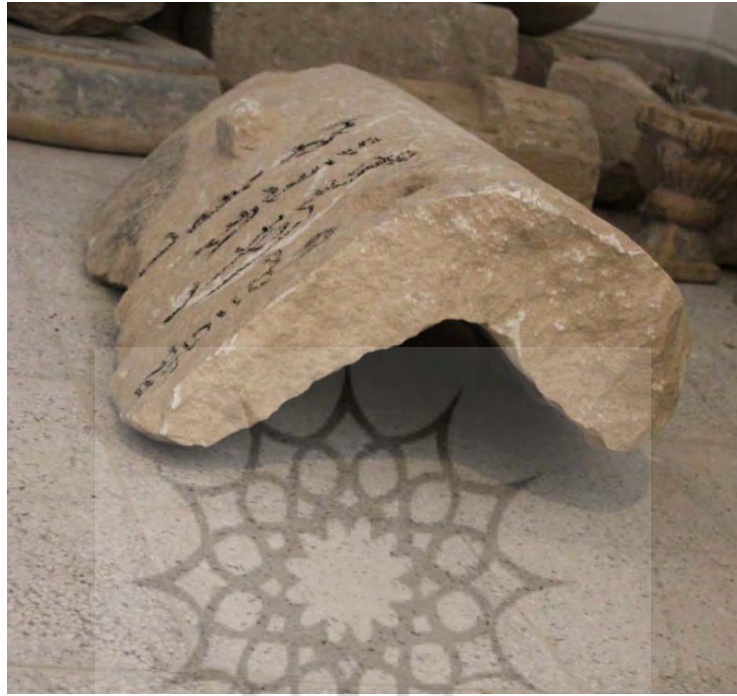
- تفضلی، احمد (۱۳۷۶). *تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام*، تهران: سخن.
- حسن دوست، محمد (۱۳۸۳). *فرهنگ ریشه‌شناختی زبان فارسی*، ج ۱، تهران: نشر آثار/ فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- فروه‌وشی، بهرام (۱۳۸۱). *فرهنگ زبان پهلوی*، تهران: دانشگاه تهران.
- مکنزی، دیوید نیل (۱۳۷۳). *فرهنگ کوچک زبان پهلوی*، ترجمه مهشید میرفخرایی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- نصراله‌زاده، سیروس (۱۳۸۵). *کتیبه‌های پهلوی کازرون*، تهران: نشر کازرونیه.

- Bartholomae, Christian (2004/1383š.). *Altiranisches Wörterbuch zusammen mit zum Altiranischen wörterbuch*, Tehran: Asatir.
- Diakonoff, I. M and Livshits, V. (1977-2001). *Parthian Economic Documents from Nisa*, Text I, Corpus Inscriptionum Iranicarum, Parth II, ed. By D.N. MacKenzie, A. N. Bader and N. Sims-Williams, London.
- Gignoux, Ph. (1975a). "Notes d'epigraphie et d'histoire sassanides", *Melanges Linguistiques offerts à Emile Benveniste*.
- Gignoux, Ph. (1975b). "Coupes Inscrites de la Collection Mohsen Foroghi", *Acta Iranica* 4, Hommages et Opera Minora, Monumentum, H.S. Nyberg, I. Leiden & Tehran.
- Gignoux, Ph. (1978). *Catalogue des Sceaux, Camees et Bulles Sasanides de la Bibliotheque Nationale et du Louvre II, Les Sceaux et Bulles Inscrit*, Paris.
- Gignoux, Ph. (1979). "Les Noms Propres en Moyen-Perse Epigraphique", *Pad Nām ī Yazdān, Etudes d'Epigraphie, de Numismatique et d'Histoire de l'Iran Ancien*, par Ph. Gignoux et R. curiel, R. Gyselen, C. Herrenschmidt.
- Gignoux, Ph. (1986). *Noms propres Sassanides en moyen-perse épigraphique*, *Iranisches Personennamenbuch* II, 2, Wien.

- Gignoux, Ph. (1986-2001. Supplement). *Noms propres sassanides en moyen- perse epigraphique*, *Iranisches Personennamenbuch* II, 3, Wien.
- Mayerhofer, M. (1973). *Onomaastica Persepolitana. Das altiranische Namengut der Persepolis- Tafelchen*, Wien.
- Schmitt, R. (1988). "Copte Rendu", *Studia Iranica*, 17.
- Schmitt, R. (2005). "Personal Names Iranian, v. Sasanian Period", *Encyclopaedia Iranica*, Online Edition, June 13, 2005, <http://www.iranicaonline.org/articles/personal-names-iranian-v-sasanian>.
- Tafazzoli, Ahmad (1991). "L'Inscription Funeraire de Kāzerun II (Parīšān)", *Studia Iranica* 20, f.2.
- Tafazzoli, Ahmad (1994-5). "Two Funerary Inscriptions in Cursive Pahlavi from Fars", *Orientalia Suecana* XLIII-XLIV.
- Tafazzoli, Ahmad and Sheikh-al-Hokamayi, E. (1994). "The Pahlavi Funerary Inscription from Mashtan(Kāzerun III), *Archaeologische Mitteilungen aus Iran*, 27.
- Tavernier, J. (2007). *Iranica in the Achaemenid Period (ca.55-330 B.C): Lexicon of Old Iranian Proper Names and Loanwords, Attested in Non-Iranian texts*, *Orientalia Lovaniensia Analecta* 158.
- Weber, D. (2003). *Berliner Papyri, Pergamente und leinen fragmente in mittelpersischer Sprache*, *Corpus Inscriptionum Iranicarum*, Part III, Pahlavi Inscriptions, Vol. IV, Ostraca and Vol. V Papyri, London.



۶۸ گورنوشته‌ای دیگر از کازرون؛ کتیبه بُخنگ (کازرون ۱۵)



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

زبان‌شناسی، سال دوم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۰